

مردم مبارز کامیاران، سندج، مریوان و مهاباد اعلام کردند اعدام را تحمل نمی کنند



ص ۸

دو هفته یک بار
منتشر می شود

اکتبر ۶

دور پدید

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۱ مرداد ۱۳۸۷ - ۱ اوت ۲۰۰۸

سر دبیر: رضا دانش Rz.Danesh@gmail.com

www.oktoberr.org

خشونت علیه زنان ممنوع!

رضا دانش

بدنبال قتل شهین نصرالهی در روستای دزلی مریوان به دست برداراش این بار بهار منافی بیست و سه ساله خودکشی کرد، شهین در محله گلشن سندج میخواست طلاق بگیرد که بدست شوهرش کشته شد و...

این موارد تنها قطره ای از دریای بیکران جنایات نظام سرمایه داری و رژیم جمهوری اسلامی و فرهنگ منحط و عقب مانده مذهبی عشیره ای علیه زنان است.

متأسفانه بطور روزمیره شاهد انتشار اخبار دهشتناکی در مورد تحقیر، خشونت، سنگسار، اعدام، خودسوزی و خودکشی زنانی هستیم که برخورد قرون وسطایی مذهبی و فرهنگ ضد انسانی مردسالاران را به استیصال و درماندگی کشانده است به گونه ای که بجای مبارزه علیه این فرهنگ عقب مانده و ارتجاعی سعی و تلاش در جهت نابودی آن و جایگزین کردن فرهنگی انسانی تنها راه رهایی را در نابودی خود می بینند.

زنان جوانی که باید سرشار از شور و نشاط جوانی باشند و عشق به زندگی و آینده ای زیبا آنان را به وجد آورد به چه علت دست به خودکشی میزنند؟ و از زندگی کردن میگریزند، بدون تردید هیچ انسانی از فرط خوشی و بخاطر زیباییهای زندگی خودکشی نمیکند مگر این که دارای مشکل حادی باشد مشکلات اقتصادی نظیر بیکاری فقر و نداری زندگی را به کام انسانها تلخ میکند و باعث افزایش فشارهای روانی میشود، اما مشکلات اقتصادی تنها یک طرف قضیه است از طرف دیگر زندگی کردن تحت قوانین بشدت عقب مانده اسلامی و مردسالار زندگی را برای جوانان ما و به ویژه زنان به جهنمی واقعی تبدیل کرده است، زنان جوانی که بدلیل سلطه فرهنگ ناسیونالیستی و مذهبی در جامعه اسلام زده ایران از تمامی حقوق انسانی خود و مظاهر آزادی محروم هستند و مانند یک برده، بدون جیره و مواجب بکار گرفته شده اند تا در خدمت اربابان مرد باشند.

ص ۲

مردم کردستان توانستند ماشین کشتار رژیم را متوقف کنند

اسد گلپینی

ماشین اعدام رژیم یادآور روزهای بسیار خونین و جهنمی سالهای ۶۰ و ۶۷ است. هر لحظه امکان تیرباران یکی از زندانیان می رود. ۲۹ نفر را یکجا، و اعدام یکی پس از دیگری و انتقال تعدادی به بند های در انتظار اعدام در جریان است. اینها به جامعه میخواد پیام بدهد که باید ساکت بمانند. در برابر وضعیت فقر و گرانی، فلاکت و بیکاری و عدم دسترسی به مایحتاج و در برابر کمبود برق، آب و بنزین باید ساکت بمانند. اعدام ها برای ساکت کردن مردم مبارز و حق طلب به این وضعیت جهنمی است.

ص ۲

در ادامه کمپین دفاع از فرزاد کمانگر

- مصاحبه با رضا کمانگر، از سازماندهنده گان کمپین دفاع از فرزاد کمانگر ص ۶
- مصاحبه با ابراهیم باتمانی ص ۷
- فراخوان به مردم کامیاران (رضا کمانگر، ابراهیم باتمانی، جمال کمانگر) ص ۷

مطالب دیگر:

- گارد آزادی در کردستان (سلام زیجی) ص ۳
- درباره فراکسیون اعلام شده در درون کومه (اعلامیه حزب حکمتیست) ص ۴
- راه پیمایی اعتراضی مردم کامیاران در دفاع از فرزاد کمانگر ص ۵
- بعد از ۴ ساعت اعتصاب، کارگران شرکت پریس سندج به خواستههایشان رسیدند (کمیته کردستان حزب حکمتیست) ص ۹
- امنیت کامپیوتر و ارتباطات کامپیوتری ص ۹

ساعات پخش: ۸:۳۰ تا ۹:۳۰ هر شب به وقت تهران. تکرار: روز بعد ۲:۳۰ تا ۳:۳۰ بعد از ظهر، هات برد، کانال ۶

TV Partow
Channel 6
تلویزیون پرتو

آزادی برابری حکومت کارگری

مردم کردستان توانستند ماشین کشتار رژیم را متوقف کنند

اسد گلپینی

اکنون قدم مهمی در این راه برداشته شده است. در کنار این، ما جریانات و احزابی که سکوت کردند را دیدیم که بر سکوتشان اصرار دارند و خود را بی اطلاع از این تحرکات مهم نشان میدهند. اینها در میدان چرتکه انداختن های گروهی و فرقه ای ماندند و در جدال مردم برای زدن افسار بر ماشین کشتار رژیم خنثی بودند. کومه له ای ها به این وضعیت دچار بودند.

حکمتیست ها میتوانند و باید این جنبه بزرگ دفاع از جامعه و انسانیت را سازمان بدهند و بدون تردید ادامه بدهند. به حکمتیست ها اتکا کنید. در همه عرصه های مبارزه کمونیستی و کارگری میتوانیم و باید سازمان انقلابی و دخالتگری در تغییر زندگیمان برای نجات جامعه از بختک رژیم اسلامی سرمایه داران و ارتجاع باشیم.

زنده باد حزب!

وسيله در این مساله شریک شدن و تا فعالین خارج کشور که در خیابانهای لندن، استکهلم و شهرهای دیگر به اعتراض و تجمع پرداختند.

حزب حکمتیست بدون این که چرتکه بیندازد که ببیند در دفاع از زندانیان سیاسی چه "گروهی" و "جریانی" تقویت میشود، فعالانه در برابر ماشین سرکوب و اعدام رژیم ایستاد.

تشخیص این مساله و ایجاد سد در مقابل سرکوب رژیم بالاترین منفعت برای جنبش از ادیخواهی و برابری طلبی مردم بود. عین انسانیت بود. با همه توان و در کنار مردم برای اعتراض به شرایطی باید بود که رژیم در صدد تحمیل آن بر جامعه است و ما این تلاش را کردیم و باید با همه توان ادامه بدهیم. باید ایستاد و در کنار همه خانواده ها و یاران زندانیانی که حکم اعدام میروند آنها را به کام مرگ و جامعه را به کام سکوت و سرکوب بیشتر ببرد ایستاد. تا هم

نمیکردند، بیانیه ها و پیامهایشان را نمیدادند و نشان نمیدادند که این شرایط را تحمل نمیکنند بدون تردید رژیم با دست باز به جنایت ادامه میداد. تا هم اکنون و بدون تردید باید زنده ماندن تعدادی دیگر از زندانیان سیاسی منتظر اعدام را مدیون این مردم آگاه و مبارزی بود که با شهامت و جسارت و در حالی که سرکوب و خفقان اوج میگیرد به میدان آمدند. راه حل همین است. این رژیم دست از اعدام و کشتار بر نخواهد داشت و مردم هم باید همین راه را ادامه بدهند. مردم در کردستان نمیتوانند این قلداری رژیم را تحمل کنند.

این بزرگترین تجربه مبارزاتی مردم مبارز در این ده روز است و باید گسترش داده شود. تجربه ای انقلابی که باید ستوده شود و دست تک تک مبارزین و فعالان سازمانده آن را باید فشرده به مادر فرزند کمانگر و خانواده اش باید درود فرستاد که ساکت ننشستند، به همه کسانی درود فرستاد که در شهرهای کردستان که به هر

... برای مرعوب کردن مردم است و رژیم آشکارا این سیاست را دنبال میکند. قربانیان باید برای مهیا کردن این فضا به چوبه های اعدام، و معمولاً در ملا عام، سپرده شوند. تعدادی باید سنگسار شوند، همه آنها قربانیانی بوده و هستند که هزار بار شرافشان از سران جنایتکار و اوباش ریز و درشت رژیم بیشتر است.

اما بسیاری هم ساکت نبودند. این امیدواری بزرگی برای مردم و جامعه بود. اعدام نه! و زندانیان سیاسی باید آزاد گردند! در تجمع و اعتراض به اعدام قریب الوقوع فرزند کمانگر در شهرهای مختلف کردستان تا هم اکنون توانسته است ماشین کشتار رژیم را متوقف کند. بدون تردید چنین است. اگر مردم مبارز کامیاران، سنندج، مریوان و مهاباد از ۲۹ تیر تا ۵ مرداد و تا هم اکنون خواست "اعدام نه" و "زندانیان سیاسی را آزاد کنید" را در خیابان ها فریاد نمیزدند و بر پلاکارها در خیابانها حمل

خشونت علیه زنان ممنوع!

رضا دانش

داری وافیون مذهب و هر نوع ارتجاع مردسالارانه و برای درهم پیچیدن آن باید متحد شد. قبل از هر چیز ما باید از خود بپرسیم که در محیط های زندگی و کار خود چگونه بر علیه این افکار، اعمال و جنایت ها مبارزه میکنیم؟

هر کدام از این اخبار میتوانند و باید ما را به ضرورت سازماندهی اعتراض زنان و مردان مبارز و مخالف بکشاند. کانون ها انجمن ها و سازمانهای حمایت از زنان و حقوق زنان بسیار بیش از گذشته در شهرهای کردستان جاییشان خالی است ما حکمتیست ها باید برای ایجاد این سد در محیط های کار و زندگی خود بجنگیم و سازمان های حمایت از زنان را احیا و ایجاد کنیم.

ناموس پرستی شده و در بسیاری از اوقات قتل زنان با صحنه سازی توسط جانیان آن به خودسوزی و خودکشی تبدیل شده است.

با توسل به مصیبت و عاملان آپارتاید جنسی نمیتوان کاری صورت داد مذهب، ملی گرایی و ناسیونالیسم و سنت های مرد سالارانه اساساً "ضد زن و ضد برابری انسانها هستند و در طول تاریخ همواره به مثابه ابزاری برای تحمیل مردم و تثبیت قدرت حاکمان بکار گرفته شده اند، اسلام و قوانین ارتجاعی آن نیز از این قاعده مستثنی نیستند اسلام و فرهنگ عشیره ای مردسالار ننگ بشریت متمدن و وجدان بیدار انسانی است در جوامعی که قوانین اسلامی اعمال می شود تعرض و خشونت وحشیانه علیه زنان ابعاد وسیعتری دارد، برای رهایی انسانها از نکبت سرمایه

جمهوری اسلامی بعنوان بخشی از نظام سرمایه جهانی عامل اصلی آپارتاید جنسی در ایران است و در این راه با بهره گیری از عامل مذهب و فرهنگ عشیره ای مردسالار در طول سالهای حاکمیتش همواره در سرکوب و سلب از ادیهای فردی و اجتماعی از زنان به خشن ترین وجه عمل کرده است و در تشدید و ترویج خشونت و تحقیر علیه زنان نقش محوری داشته است.

صندوق احکام سنگسار در بیدادگاههای رژیم علیه زنان و اجرای این احکام توسط درخیمان اسلامی پدیده ای نو ظهور در این جامعه مصیبت زده نیست، تیرنه قاتلان قتلهای ناموسی بوسلیه همین بیدادگاهها نیز امر تازه ای نیست، این گونه اعمال ضد انسانی از سوی رژیم اسلامی سبب تشدید خشونت و افزایش قتل زنان به بهانه

... تعداد زیادی از زنان بدلیل توهم به مذهب و ناآگاهی وضعیت موجود را با طیب خاطر پذیرفته اند و اعتراضی ندارند.

این نوع تمکین به شرایط غیر انسانی موجود ریشه در تربیت و رشد و نمو در خانواده های سنتی و فرهنگ مذهبی حاکم در جامعه دارد که از بدو تولد نوزاد را مورد هجوم جهل و خرافه مذهبی قرار داده و مجال تفکر و اندیشه و خلاقیت را از انسان سلب می کنند و حاصل این پروسه ادامه وحشیگریها و بربریت فعلی و به بن بست رسیدن بخشی از انسانهای شریف و بی پناهی است که هیچ افق روشنی برای تغییر این شرایط ندارند و در غیاب جنبش برابری طلبی تنها راه باقیمانده برای خاتمه دادن به رنج و مصیبت غیر قابل تحمل رادر نتیجه فشارهای روحی و روانی در خودکشی می بینند.

گارد آزادی در کردستان (بخش اول: کنترل محلات شهر)

سلام زبجی

مردم تمام محله متحد و در حمایت از همدیگر بر علیه مزدوران رژیم و هر کسی که در فکر اقدامی علیه مردم محله و امنیت آنها و ایجاد فضای مذهبی و مردسالار علیه دختران و زنان محله هستند به میدان بیایند.

اگر در این محلات فعالیت و حضور مزدوران رژیم را محدود و متوقف کنیم، زنان و دختران زندگی آزادتری داشته باشند و فرهنگ انسانی و مدرن دست بالا پیدا کند، کاری کرد که قوانین و فرهنگ پوسیده اسلامی و قومی و مرد سالارانه میدان دار نباشد، اگر مردم آن محلات با هم متحد تر و صمیمی تر و افکار ارتجاعی قومی و طرفداران فدرالیستهای ارتجاعی در میان مردم بی ارزش و بی خاصیت شده باشند در چنین شرایطی میتوان از دور مشاهده کرد که صف آزادیخواهان و گارد آزادی میخ خود را کوبیده است.

این تلاشها و کسب موفقیت برتر و بهتر مردم در آن محله به سرعت به الگو و سنت مبارزاتی همه محلات شهر تبدیل خواهد شد. گارد آزادی و ضرورت آن جزو جدایی ناپذیر کنترل محلات است. کنترل محلات همانطوری که اشاره شد به معنی احاطه فکری، ارزشی و سیاسی بر فضای محل، تاثیرگذاری بر آن، بالا بردن هشیاری مردم و تامین قدرت مردم و قابلیت عملی ممانعت از دارودسته های اسلامی، قومی و گانگسترهای سیاسی برای تحمیل خود بر مردم و زورگویی و تعدی به امنیت مردم است.

یعنی تامین یک فضای آزادیخواهانه و انسانی در محل فعالیت. منظور این است که گارد آزادی برای خود وظیفه حفاظت و حراست مردم و بنیادهای زندگی مدنی را در قبال جریانات باند سیاهی چه در قالب حکومت جمهوری اسلامی و چه در پوشش اپوزیسیون و فرهنگ قومی قائل است.

واحدهای گارد آزادی با این درک و قائل شدن این وظایف برای خود است که میتوانند به نقش برجسته خود جامعه عمل ببوشانند.

ادامه در صفحه ۶

را تکرار نماید. نباید فرصت تبلیغات قوم پرستانه، اسلامی و همچنین حمایت از حمله نظامی امریکا و اسرائیل را به هیچ جریانی داد. نباید گذاشت هیچ گروه و جریانی آزادیهای سیاسی، اجتماعی و حق انتخاب پوشش را از مردم سلب کند.

نبايد گذاشت هیچ کسی در فکر قتل ناموسی باشد. میتوان این فرهنگ کثیف اسلامی و ملی را منزوی کرد و عاملان آنرا از دست بردن به چنین جنایتی بشدت پشیمان کرد.

نبايد اجازه داد که فعالیت جاسوسی و قلدری نیروهای اسلامی در محلات ممکن گردد. میتوان تک تک آنها را شناسایی کرد. اسامی شان را به در و دیوار زد. برای ما فرستاده شود. به خانواده شان نامه داد و تماس گرفت و آنان را تشویق کرد که فرد مزبور از اعضا خانواده شان دست از مزدوری بردارد. در مواردی باید و میتوان با سنگ و چوب و آب گرم و رنگ و ... به استقبال ماموران و گشت زنی های نیروهای رژیم رفت و تمام بچه های محله را علیه آنان بسیج کرد.

ماشینها پشان را براحتی میتوان خراب کرد و آتش زد. از راه تلفن عمومی با پخش شایعات و بکار گیری ابتکارات مختلف، جنگ روانی و فرسایشی مداومی برایشان درست کرد. با بسیج مردم به حضور آنها اعتراض کرد.

باید مجبورشان کرد دست از سر محله و مردم بردارند طوری که جرات گشت زنی روزمره را برای آنها ناممکن و سخت کرد و کاری کرد در طول شب توان و جرئت هیچ نوع حضوری در محلات شهر را نداشته باشند. ضروری است که در مواردی برنامه ریزی کرد و افراد شرور و مورد تفرق مردم را در مکانی در محل یا به بیرون شهر برد و آنجا حسابی حالیشان کرد که کار جاسوسی و آزار مردم بی پاسخ نمی ماند و چنانچه ادامه دهند با مجازات شدیدتری روبرو خواهند شد. میتوان مردم محله را بر علیه آنها شوراند. باید کاری کرد که

بیشتری برخوردارند و جمهوری اسلامی و فرهنگ لمپنی اسلامی و قومی و ضد کمونیستی و عقب افتاده چنان بی خاصیت و بی تاثیر می شوند که در محلات، دیگر بعنوان نمونه تمدن و انقلابی گری و پیشرفت! از آن یاد می شود و مورد ستایش قرار می گیرد.

تمام نیروهای قومی و اسلامی از جمله دستگاه قدرت در ایران از طریق مساجد و آخوند محله، از طریق "ریش سفیدان و شورای اسلامی" با ایجاد شبکه های جاسوسی، تشکیل بسیج محلات، ایجاد فضای ضد زن و راه اندازی گشت زنی نیروهای خبرچین و مسلح و ایجاد جو رعب وحشت و ... دقیقاً سیاست کنترل برای ممانعت از رشد فضای انقلابی محلات شهر و از این طریق در کنترل گرفتن کل فضای شهر را تعقیب میکنند.

در چنین اوضاع و احوالی که هر روز دایره اختناق تنگ تر می شود و آزادی دخالت و عمل در سرنوشتمان محدود تر می شود، ما مردم نیز می توانیم مبارزه با تک تک این موارد و بسیج مردم حول مبارزه با فشار و عوامفریبی آنها را درست به عکس خود تبدیل کنیم. روشن است که تلاش و ایفای چنین نقشی در محلات مختلف هر شهر از اهم فعالیتهای روتین گارد آزادی است. برای مقابله با زورگویی، زن ستیزی قوم پرستی، بیرون راندن نیروهای انتظامی و اطلاعاتی در محل، تنبیه کردن عاملان این روند و غیره میتوان در هر محله ای دهها واحد گارد آزادی را سازمان داد. مردم محله و واحدهای گارد میتوانند فضای محلات شهر را به یک محیط غیر قابل کنترل برای حضور و فعالیت نیروهای جمهوری اسلامی و ناسیونالیست های حامی فرهنگ منحط ضد زن و ضد تمدن و آزادیخواهی تبدیل کنند.

نبايد گذاشت هیچ آخوندی بدون دردرس در پشت منبرش هذیان گوئی و تحریک بر علیه زنان و کمونیستها و مردم بکند و فردا دوباره امکان یابد همین خزعبلات

در مقاطع مختلف مبارزاتی ما شاهد تفاوت و افت و خیز در غلبه فرهنگ، سنن، قوانین رسمی حاکمیت و همچنین فرهنگ جنبشهای سیاسی و فکری طبقات مختلف بر جامعه بطور کلی و مشخصاً بر محیط کار و زندگی مردم در محلات هستیم. محلات شهر درست مانند مراکز کار و محیط های آموزشی در مرکز توجه طبقه حاکمه و جنبش های بورژوازی قرار دارد. از رسانه ها تا آخوند و مساجد محلات از قوانین رسمی تا جاری کردن سنتها و فرهنگ های پوسیده تا کانونهای مختلف ارتجاعی در محلات شهر بعنوان ابزار تحمیل و حاکم کردن افکار و فرهنگ ارتجاعی بهره میگیرند و تمرکز ویژه ای روی آن دارند.

محلات شهر بدلیل رابطه پیوسته و بسیار نزدیک اجتماعی مردم و فعل و انفعالاتی که در آن جاری میباشد، مراکز و کانونهای مختلف سیاسی، فرهنگی، اداری، آموزشی، ورزشی، نظامی و غیره نیز بطور مستقیم از فضای حاکم بر محلات، که تقریباً مکان زیست مشترک همه است متأثر خواهند شد. هر گونه صدا و تحرکی له یا علیه در محلات کم و بیش توسط این مراکز و کانون ها کنترل می شوند و متعاقب آن واکنش بدانها نشان داده می شود. از اینرو محلات شهر یکی از مهمترین کانونهای جنب و جوش است که در آن هم جنبه ارتجاعی از نوع اسلامی و ملی و مرد سالارانه و ضد تمدن و ... میتواند بازتولید شود و هم می شود درست بر عکس آن به مکانی برای طرد ارتجاع و حضور مردم برای دفاع از آزادی و برابری بدل شود.

می توان به موارد متعدد اهمیت این جایگاه و این تصویر در شهرهای کوچک و بزرگ ایران و کردستان در ۳۰ سال اخیر اشاره کرد و به عینه دید که در محلات شهر چگونه در جایی که مردم آزادترند و زن آزاد تر است؛ اتحاد و همبستگی عمومی مردم بر علیه رژیم و فرهنگ حاکم، چشمگیر و قابل توجه تر است، مردم از آسایش و امنیت

در باره "فراکسیون" اعلام شده در درون کومه له

تی" را راه حل ایفای نقش فعال کومه له میدانند، همان راه حل بی سرانجامی که به عبث ۸ سال قبل مهدی-ایلخانی زاده با انشعاب خود در پیش گرفتند.

ب- عامل دیگری که مجال داده این فراکسیون نیرو بگیرد، انگشت گذاشتن آنها بر یک مسئله واقعی و آن هم حفظ فرمال اسم و قالب تشکیلاتی "حزب کمونیست ایران" توسط رهبری کنونی کومه له است. رهبری محدود نگر و مصلحت گرای فعلی کومه له هیچگاه این روند واقعی را درک نکرد، که با جدایی کمونیسم کارگری، حزب کمونیست ایران عمر سیاسی مفید و مثبت خود را سپری کرد. چسبیدن به آن اسم و قواره نه تنها فرمال بوده و هست، بلکه مجال داد تا ناسیونالیستهای درون کومه له، در یکدوره محفل مهدی-ایلخانی زاده و اکنون این جمع تحت نام بازگشت به قالب سازمانی کومه له نیرو جمع کنند. جریان ما و در راس آن منصور حکمت با تیزبینی مارکسیستی و با احساس مسئولیت و درک درست، با قصد مصادره اعتبار کومه له توسط گرایش ناسیونالیستی به مقابله پرداخت. در مورد ضرورت کنار گذاشتن نام و قالب حزب کمونیست ایران در نوشته "دیپلماسی و یا انتخاب سیاسی" در سال ۱۹۹۶ یعنی ۴ سال قبل از انشعاب سازمان زحمتکشان و دوازده سال قبل از تشکیل این فراکسیون نوشت. در سخنرانی مشهور انجمن مارکس در سال ۲۰۰۱ به روشنی از احیای کومه له کمونیست در مقابل کومه له ناسیونالیستها صحبت کرد. واقعیت اینست این انتخاب سیاسی در مقابل رهبری کنونی کومه له قرار گرفت.

اما ظرفیت سیاسی و جسارت انقلابی انتخاب این راه حل را نداشتند. این فرصت را از دست دادند و اکنون عواقب کوتاه بینی سیاسی و اشتباهاتشان را تجربه میکنند.

ج- و بالاخره عامل دیگری که اکنون جمع فراکسیون را وسوسه کرده، به این شکل ابراز وجود کنند، تاثیر شکست پروژه سازمان

له داشته است. در واقع، ناسیونالیسم، آن بستر مشترک سیاسی است که خط مشی کنونی رهبری کومه له و فراکسیون اخیر و جناح مهدی-ایلخانی و "سازمان زحمتکشان" از آن تغذیه کرده اند. تمام هنر رهبری "ناسیونال-چپ" کنونی کومه له اینست که خود را در جناح چپ این گروه‌بندهای صریحتر ناسیونالیستی تعریف کرده و در

اکنون آلترناتیو قوی کمونیستی در دسترس کارگران و مردم قرار دارد.

هر کارگر آگاه و ضد استثمار، هر زن ضد تبعیض و برابری طلب، هر جوان پرشور و چپ و هر انسان عدالتخواه و همه مبارزین پیگیر سرنگونی پورژوازی و جمهوری اسلامی در کردستان سر راست میتوانند به صف کمونیستها و حکمتیستهای بیوندند که به روشنی کمونیسم و رادیکالیسم مبارزه اجتماعی کردستان را نمایندگی می کنند.

انتخاب حزب حکمتیست و گارد آزادی میتواند انتخاب سر راست و واقعی کارگران و کمونیستها در کردستان باشد.

سازش مداوم با آنها بسر برده و نقطه تمایز جنبشی و سیاسی جدی را با آنها نمایندگی نکرده است. بلکه بر عکس این خط مشی هر از چند گاهی گروه‌بندهای ناسیونالیستی درونی را از خود بیرون داده است. فراکسیون جدید حاصل فصل مشترک ناسیونالیستی جدی با خط مشی رهبری کنونی کومه له است.

۳- علت سربرآوردن فراکسیون در شرایط کنونی

در توضیح علت تشکیل فراکسیون کنونی و تحرک مجدد گروه‌بندهای دیگری تحت نام "طیف کومه له" در این شرایط میتوان به عوامل زیر توجه کرد.

الف: سترونی سیاسی خط مشی رهبری کنونی کومه له، ناتوانی سیاسی این خط مشی از نمایندگی کردن فعالیت سیاسی و اجتماعی ملیتانت و موثر در صحنه سیاست کردستان، پاسیفیسم عمیق آن و نقش حاشیه ای آن در جنبش "کردایه تی" موجب نارضایتی عمیق جریان ناسیونالیستی صریحتر درون کومه له است. فراکسیون و دیگر گرایش‌ها ناسیونالیستی بازگشت تمام و کمال به جنبش ملی و "کردایه

قبل، از بطن کومه له موجود و با گرد آوری نیرو از درون آن پا به میدان گذاشته است. ناسیونالیسم کرد یگ گرایش همیشه موجود در حیات سیاسی کومه له از بدو پیدایش آن و تاکنون بوده است. بعد از انقلاب ۵۷ و عروج چپ و رادیکالیسم در جامعه و با تشکیل حزب کمونیست ایران تحت هژمونی مارکسیسم انقلابی و سپس کمونیسم کارگری،

فراکسیون ناسیونالیستی نقد و به حاشیه رانده شد. اما این روند در دهه نود با شکست بلوک شرق و عروج ناسیونالیسم کرد در کردستان عراق قیچی شد. گرایش ناسیونالیستی درون کومه له از این اتفاقات اعتماد به نفس گرفت و بار دیگر افق و راه حل های خود را پیش کشید. در نتیجه این اتفاق، ناسازگاری کمونیسم کارگری و ناسیونالیسم در کومه له تحت نام کشمکش "چپ و راست" تبلور یافت و به اوج رسید. برای پایان دادن به این ناسازگاری و پیگیری سر راست اهداف و سیاست کمونیستی جریان کمونیسم کارگری و اکثریت قاطع رهبری، کادرها و اعضای حزب کمونیست ایران و کومه له در اوایل دهه نود از این جریان جدا شدند و در حزب کمونیست کارگری متشکل شدند. به دنبال این تحول مهم گرایش ناسیونالیستی باقیمانده در حزب کمونیست ایران و کومه له میداندار شد و جهت اصلی سیاست و بویژه پراتیک تاکتونی کومه له را تعیین کرده است. بر این اساس خط مشی و سنت و پراتیک ناسیونالیستی در این دو دهه اثرات عمیق سیاسی بر کومه

جمعی از اعضا و کادرهای کومه له که از چهار سال قبل خود را تحت عنوان طرفداران "ضرورت فعالیت به نام کومه له" معرفی میکردند، بعد از یک دوره چهار ساله تردید و ابهام و بی تصمیمی، طی بیانیه ای "فراکسیون فعالیت به نام کومه له" را در درون این سازمان اعلام کردند. برای هر انسان آشنا به تحولات سیاسی و سازمانی دو دهه اخیر کومه له، این پدیده اتفاق بدون زمینه و پیشینه و جدید نیست. آنچه جدید است شرایط سیاسی و اجتماعی اعلام رسمیت این فراکسیون از قبل موجود میباشد. در بررسی فراکسیون درونی کومه له به نکات زیر باید توجه کرد.

۱- ماهیت سیاسی این فراکسیون

فراکسیون اعلام شده سربرآوردن یک گروه‌بندی ناسیونالیستی دیگر در درون کومه له است. ضدیت پلاتفرم اعلام شده آنها با کل پروسه ایجاد حزب کمونیست ایران و نفی تمامی لحظات حیات سیاسی مثبت مهمترین حرکت کمونیستی بعد از انقلاب ۵۷ و بسر بردن در روای گذشته پوپولیستی کومه له، ضدیت با مارکسیسم انقلابی و کمونیسم کارگری الهام بخش دوران درخشان حیات سیاسی کومه له و حزب کمونیست ایران، غیر عملی اعلام کردن تحقق سوسیالیسم به زعم آنها به علت فراهم نبودن "ملزومات جهانی و منطقه ای و ناکافی بودن رشد نیروهای مولده" به وجد آمدن در قبال مسئله ملی و گرویدن به تبیین ها و لاجرم راه حل های ناسیونالیستی شناخته شده، تار و پود پلاتفرم بدون انسجام و سطحی آنها را نشان میدهد. این پلاتفرم و اظهار نظرهای تاکتونی سخنگویان این جریان گواه ماهیت راست و ناسیونالیستی این فراکسیون است.

۲- بستر مشترک خط مشی رهبری کومه له و فراکسیون

فراکسیون ناسیونالیستی جدید، همانند تجربه شکل گیری جریان ناسیونالیستی موسوم به سازمان زحمتکشان در ۸ سال



زحمتکشان است. سازمان زحمتکشان ۸ سال قبل با پلاتفرم مشابه "فعالیت تحت نام کومه له" و چرخش سریع به طرف جنبش ناسیونالیستی کرد و حتی در شرایط مناسبتر اقدام به جدایی از کومه له موجود نمود.

روندهای بعدی بی پایگی محاسبات سطحی و بی مایگی انتخاب سیاسی آنها را نشان داد و موجب شکست و بحران سیاسی و سازمانی آنها را فراهم کرد.

در شرایط شکست پروژه سازمان زحمتکشان و پاسیفیسم سیاسی کومه له کنونی، فراکسیون وسوسه شده که جریان سومی را تحت نام "کومه له" شکل دهد و به بستر جمع کردن "طیف ناراضیان کومه له" از دو جریان دیگر تبدیل شود.

این محاسبات بسیار سطحی تر و بی محتواتر از محاسبات گردانندگان سازمان زحمتکشان به چیزی جز ناکامی این جریان منجر نخواهد شد.

۴- سیاست کمونیستی در قبال کومه له و فراکسیون درونی آن: کومه له و تحولات سیاسی و سازمانی آن در جامعه کردستان بازتاب دارد. بخشی از کارگران

و مردم زحمتکش با تاثیر گرفتن از گذشته رادیکال و انقلابی این جریان هنوز توهمات خود را نسبت به این جریان ادامه میدهند. لازم است کارگر و زحمتکش و جنبش رادیکال در کردستان به

گرایی را در این جریان خشکانده، بلکه کومه له را از انقلابی گری چپ تهی کرده اند. تجربه دو دهه اخیر این حقیقت را اثبات کرده که خط مشی حاکم بر کومه له و فراکسیون اعلام شده اخیر و

پرچم کارگر و کمونیسم و رهایی انسان را کمونیستهای صاحب سه دهه سنت مبارزه کمونیستی سیاسی و اجتماعی و نظامی جامعه کردستان و نسلی که اتفاقا در یک دوره معین کومه له کمونیست را ساختند و در هدایت آن نقش موثر ایفا کردند، و نسل جوان کمونیست این دوره که در حزب حکمتیست متشکل اند، همه این سالها این پرچم را برافراشته نگه داشته اند.

درستی معنای این تحولات را متوجه باشند، تا به دنباله رو این یا آن شاخه کومه له تبدیل نشوند. واقعیت اینست هم سیاستهای رهبری کنونی کومه له و هم سیاستها و اهداف این فراکسیون، دوری خود را با منافع کارگر و مردم زحمتکش در کردستان و گذشته چپ و کمونیستی کومه له به روشنی نشان داده است. امروز به روشنی لازمست هر کارگر و هر انسان متوهم به کومه له و یا فراکسیون آن، بداند که سیاست کنونی اینها هر دو ریشه مشترک دارند و نه تنها امید به بازگشت به رادیکالیسم و چپ

شاخه های مختلف تحت نام کومه له چیزی جز ناسیونالیسم و بی ربطی به منافع کارگر و زحمتکش و بی ربطی به گذشته کمونیستی و رادیکال خود کومه له نیست. واقعیت اینست که کومه له مدتهاست پرچم کارگر و کمونیسم را در جامعه کردستان کنار گذاشته است. اما مسئله مهم اینست که، این پرچم بر زمین نمانده است. پرچم کارگر و کمونیسم و رهایی انسان را کمونیستهای صاحب سه دهه سنت مبارزه کمونیستی سیاسی و اجتماعی و نظامی جامعه کردستان و نسلی که اتفاقا

در یک دوره معین کومه له کمونیست را ساختند و در هدایت آن نقش موثر ایفا کردند، و نسل جوان کمونیست این دوره که در حزب حکمتیست متشکل اند، همه این سالها این پرچم را برافراشته نگه داشته اند.

اکنون آلترناتیو قوی کمونیستی در دسترس کارگران و مردم قرار دارد.

هر کارگر آگاه و ضد استثمار، هر زن ضد تبعیض و برابری طلب، هر جوان پرشور و چپ و هر انسان عدالتخواه و همه مبارزین پیگیر سرنوینی بورژوازی و جمهوری اسلامی در کردستان سر راست میتوانند به صف کمونیستها و حکمتیستهای بپیوندند که به روشنی کمونیسم و رادیکالیسم مبارزه اجتماعی کردستان را نمایندگی میکنند.

انتخاب حزب حکمتیست و گارد آزادی میتواند انتخاب سر راست و واقعی کارگران و کمونیستها در کردستان باشد.

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۳۱ تیر ۱۳۸۷ - ۲۱ جولای ۲۰۰۸

راه پیمایی اعتراضی مردم کامیاران در دفاع از فرزاد کمانگر

اعتراض مردم در کردستان به حکم اعدام فرزاد کمانگر، در اشکال مختلف ادامه دارد. حکم اعدام فرزاد کمانگر بدون قید و شرط باید لغو شود. امروز جمعه ۱۱ مرداد ۸۷ شهر کامیاران شاهد راهپیمایی ده ها نفر از یاران و خانواده فرزاد کمانگر به طرف ماراب بودند، روستایی که آخرین محل کار فرزاد کمانگر قبل از دستگیری بود.

در این راه پیمایی که سلطنه رضایی مادر فرزاد، نیز شرکت داشت، راهپیمایان با حمل پلاکارد و عکس های فرزاد خواهان آزادی وی شدند. نیروهای انتظامی تلاش در ممانعت از راهپیمایی کردند. راه پیمایی حدود ۲ کیلومتر در جاده کامیاران - الک ادامه یافت. راهپیمایی با شدت عمل نیروهای انتظامی و سرکوبگر رژیم ادامه یافت و متوقف شد. مردم پراکنده شده اند. اخبار تکمیلی به اطلاع خواهد رسید. مردم کردستان اعلام کرده اند که در برابر احکام جنایتکارانه اعدام ها با همه توان خواهند ایستاد. حکم فرزاد کمانگر بدون قید و شرط باید لغو شود.

رژیم اسلامی سرمایه داران با اعدام شهروندان میخواهد مردم خواهان مایحتاج اولیه زندگی، مواد خوراکی ارزان، کار و یا بیمه بیکاری مکی برای همه شهروندان بالای ۱۶ سال، آب و برق و بنزین و... را ساکت و سرکوب کند. اعدام نه! و زندانیان سیاسی باید بدون قید و شرط آزاد شوند!

کمیته کردستان حزب حکمتیست

۱۱ مرداد ۱۳۸۷ (۱ اوت ۲۰۰۸)

در اندوه مرگ یک رفیق

بهار منافی مبارزی کمونیست و زنی زحمتکش، بر اثر اتفاقی دلخراش جانش را از دست داد. بهار منافی ۲۴ سال داشت و ساکن آشنویه بود.

کمیته کردستان حزب حکمتیست با تأسف عمیق از این اتفاق ناگوار، به خانواده بهار عزیز تسلیت گفته و خود را شریک غم سنگین آنها میداند.

کمیته کردستان حزب حکمتیست

۵ مرداد ۸۷

کمپین دفاع از فرزاد کمانگر

مصاحبه با رضا کمانگر، از سازماندهنده گان کمپین دفاع از فرزاد کمانگر

اکتبر: رضا کمانگر در مورد صدور احکام اعدام از جانب دولتها به طور کلی چه نظری دارید؟

رضا کمانگر: دولتهایی که هنوز حکم اعدام در قوانین شان جاری است، اعدام را بعنوان اقتدار خود بکار میگیرند، خود این دولتها میدانند حکم اعدام مجازات نیست، حکم اعدام نابود کردن وجود فیزیکی یک انسان در سوخت و ساز زندگی اجتماعی است. این دولتها بهانه جرائم و جنایت را دلیل صدور حکم اعدام میدانند، اما واقعیت نشان داده است در کشورهایی که حکم اعدام اجرا میشود جرائم و جنایت بیشتر از کشورهایی است که حکم اعدام در قوانین شان حذف شده است.

البته معیار حکم اعدام در ایران با بسیاری از کشورهایی که هنوز اعدام میکنند متفاوت است. در جمهوری اسلامی حکم اعدام سیاسی است و در خدمت ادامه حاکمیت رژیم اسلامی است. برای نمونه دولت هر وقتی با بحران روبرو می شود به اعدام کردن به عناوین مختلف روی می آورد. جمهوری اسلامی در سال ۵۸ تا ۶۱ بوسیله اعدام مردم را عقب راند. بعد از شکست نظامی در جریان خاتمه جنگ با عراق با اجرای حکم اعدام خود را سرپا نگه داشت. در شرایط فعلی هم جامعه ایران در حال انفجار است، با حربه اعدام میخواهد جلواین انفجار اجتماعی را بگیرد و مردم را از اعتراضات عمومی بازدارد. در کل اعدام شنیع ترین نوع قتل

انسان به شمار می آید، اعدام قتل عمد دولتی است و باید از قوانین جاری حذف شود.

اکتبر: رضا کمانگر، به عنوان یکی از سازماندهندگان اصلی کمپین دفاع از فرزاد کمانگر مختصری از فعالیتهای انجام گرفته را برایمان بحث کنید و ارزیابیتان را از کمپین بیان کنید؟

رضا کمانگر: اجازه بدهید من خود را بعنوان سازماندهنده اصلی کمپین نجات فرزاد معرفی نکنم، چون کمپین نجات جان فرزاد بسیار وسیع و با خط و گرایشات متفاوت است و هر کدام میتوانند ادعا کنند که آنها اصلی هستند و غیره. من فقط یک تلاشگر برای نجات جان فرزاد هستم. کار من این است که به جامعه خارج از ایران نشان بدهم که جمهوری اسلامی فرزاد را بخاطر عقایدش میخواهد اعدام کند، فرزاد یک معلم دلسوز، یک فعال مدنی، یک مدافع حقوق بشر بوده و اکنون جمهوری اسلامی بخاطر جلوگیری از رشد توقعات مدافعین مدنی و حقوق بشری میخواهد فرزاد را قربانی کند. با نهادهای مدافع حقوق بشری و حتی نهادهای دولت مانند وزارت امور خارجه و کمیسیون حقوق بشر پارلمان اروپا و رسانه ها تماس گرفتم. بخشی از فعالیتهای من در جامعه ایران انعکاس داشته و قطعا باعث نیرو و انرژی و رابطه ای متقابل شده است. برای نمونه در اعتراضات ۲۹ تیر یکی از طرفهای فراخوان دهنده ۲۹ تیر اعلام

کرده بود برای تجمع پرچم و قانون ساسی را با خود بیاورید، من این عمل را جانبدارانه معرفی کردم، چون پرچم و قانون ساسی از نظر من و اکثریت مردم کردستان عامل بی حقوقی است و مردم نه به پرچم و نه به قانون اساسی احترامی قائل نیستند برعکس این قانون و پرچم خود عامل نفرت و یادآور سرکوب و خشونت است. من در جریان مصاحبه های تلویزیونی گفتم ما باید فقط خواهان لغو حکم اعدام و از جمله لغو حکم اعدام فرزاد بشویم. در جریان عمل دیدیم مردم به این خواست طرفداران قانون اساسی توجه نکردند، پرچم و قانون اساسی کوچکترین نقشی نداشت. خواست لغو حکم اعدام اصلی ترین خواست تجمع مردم در ۲۹ تیر و بعدا در نقاط مختلف بود.

ارزیابی من این است، خواست لغو حکم اعدام دارد به خواست اکثریت جامعه ایران در رودرویی با جمهوری اسلامی مطرح میشود و این کشمکش و صف بندی معیار آزادیخواهی با ارتجاع و سرکوب است، قطعا پیشروی در این عرصه دستاورد بزرگی برای جامعه بشری است. من به این تلاشها خوش بین هستم، امیدوارم بتوانیم حکم اعدام فرزاد را لغو کنیم که دستاورد بزرگی برای جنبش لغو حکم اعدام خواهد بود.

اکتبر: فکر میکنید برای جلوگیری از احکام اعدام و بویژه حکم اعدام فرزاد کمانگر فعالین حقوق بشر، فعالان سیاسی و مردم باید چه اقداماتی را دستورکارشان بگذارند؟

رضا کمانگر: اگر به فکر من بود، می بایست تمام چوبه های دار را بر سرشان خراب میکردیم، من واقعا فکر می کنم که مردم باید چوبه های دار را بر سر حاکم شرع و قوه قضائیه خراب کنیم، هیچ راهی جز این نداریم، مردم سنجند، کامیاران، مریوان و مهاباد در جهت این خواست به میدان آمدند و این الگو را باید در سراسر جامعه ایران ادامه داد ما در ابتدای کار هستیم، چوبه های دار را فقط بوسیله به میدان آمدن مردم میتوان خراب کرد، جان فرزاد هم فقط به حمایت مردم محتاج است و باید به حمایت فرزاد بشتابیم.

اکتبر: چه پیامی برای مردم دارید؟

رضا کمانگر: برای یک لحظه خودتان را جای یک محکوم به اعدام بگذارید، جای فرزاد که حکم اعدام در موردش صادر شده، جای مادری که فرزندش را اعدام میکنند، جای برادری که اعدام میشود، جای همکارت، همکلاسی، هم محله ایت، همسایه ات، دوستت، رفیقت، کسی که میشناسید چه حالی دارید؟ توقع از مردم بیرون از زندان و آنهایی که خطر چوبه دار بالای سرشان نیست چیست؟ پیام من به مردم این است همه آنها که حکم اعدام برایشان صادر شده و آنهایی که حکمشان اجرا شده مستحق اعدام نبوده و نیستند! افسار ماشین اعدام جمهوری اسلامی در دست مردم است! با اتحاد به این ماشین اعدام افسار بزنیم.

از صفحه ۳

گارد آزادی در کردستان

... دقیقا با ایفا چنین نقشی است که زمینه رشد خود و ایجاد واحدهای متعدد گارد را فراهم میکنند. تامین بالاترین سطح امنیتی نیز قبل از هر چیز از همین مسیر تامین خواهد شد. باید این کار را به هر درجه ای که ممکن است انجام دهیم. به این معنی گارد آزادی درست بر عکس تمام سنتهای رایج " مبارزه مسلحانه و سنت پیشمرگایی" تنها هسته ها یا واحدهای نظامی و مسلح نیست. یک نیروی سیاسی، نظامی و توده ای است که عمیقا در زندگی و رگ و ریشه محل سکونت خود حضور دارد و در همانجا مبارزه و "انتفاضه" انقلابی و آزادیخواهانه خود را سازمان میدهد و به پیش میرود. ادامه دارد...

S_zijji@yahoo.se - kkgardazadi@gmail.com

۰۰۹۶۴۷۷۰۲۴۹۵۵۴۰ - ۰۰۴۶۷۶۲۳۴۹۶۸۳

کمپین دفاع از فرزاد کمانگر

مصاحبه با ابراهیم باتمانی (شیروانه)، فرزاد کمانگر هر چه زودتر باید آزاد شود!

اسماعیل ویسی: فرزاد کمانگر از فعالین حقوق مدنی و اجتماعی در کردستان مدتهاست در زندان بسر میبرد و به وی اتهامات واهی و بی اساس زده اند و برایش پاپوش درست کرده اند. فرزاد تمامی اتهامات را رد کرده است. اخیراً دستگاه قضایی حکومت اسلامی او را به اعدام محکوم و حکم اعدام تائید شده است. در کردستان و ابعاد جهانی به این حکم غیر انسانی اعتراضات شدیدی شده و خواهان لغو این حکم و آزادی فوری وی شده اند. شما به عنوان یکی از فعالین این حرکت کلا موقعیت فرزاد را بعد از این اعتراضات چگونه می بینید؟ مردم در کردستان و بخصوص در زادگاهش کامیاران چکار باید بکنند؟

ابراهیم باتمانی: این رژیم سی سال کارش پاپوش درست کردن، سرکوب، اعدام مخالفین، زندانی کردن، دست و پا بریدن، سنگسار کردن، شلاق زدن در ملاء عام و اعدامهای دسته جمعی می باشد. این رژیم حتی به مرده ها هم رحم نکرده و آنها را در لعنت آباد بدون نام و نشان دفن می نماید. اعدام مخالفین به جرم محارب با خدا و رسول، اعدام کردن کارگران به خاطر دفاع از دستمزد پرداخت نشده شان و... این ها کمان چهل و خرافات در این سی سال شغل شریفشان همین بوده است. فرزاد چرا باید این پاپوش و اتهامات ساختگی حاکمان سرمایه را قبول کند، فرزاد گناهی مرتکب نشده است. او یک معلم شریف و انسان دوست میباشد، یک فعال حقوق مدنی و اجتماعی است، باید حکم اعدامش فوری لغو شود. او بی گناه است اگر عدالتی وجود داشته باشد که متأسفانه در این دنیای سرمایه داری وجود ندارد. بایستی حاکمان جمهوری اسلامی محاکمه بشوند به خاطر سی سال جنایتشان نسبت به مردم ایران.

اعتراض به حکم اعدام غیر انسانی فرزاد در کردستان و سطح جهانی به خصوص در شهرهای کامیاران، سنندج و مهاباد و مریوان کار بسیار بااهمیت و بر حقی بوده است و باید به حاکمان فهمانده شود که مردم مخالف اعدام هستند و برای بشریت متمن قابل قبول نیست، باید حکم اعدام فوری لغو شود و او را آزاد نمایند تا هر چه زودتر به میان خانواده اش و اجتماع برگردد. در غیر اینصورت با اعتراضات شدید تر مردم روبرو میشود. با اعتراضات جهانی احزاب انسان دوست، فعالین مدنی اجتماعی و مدافعین حقوق بشر، نهادهای بین المللی و اتحادیه های کارگری در سطح جهان روبرو میشوند.

با توجه به اینکه در زادگاهش شهر کامیاران تلاشهای زیاد و با ارزشی از طرف معلمان همکارش، محصلین، مردم و فعالین حقوق مدنی انجام گرفته است، امضا و طومارهای چند هزار نفری جمع آوری شده و برای مقامات رژیم از جمله برای احمدی نژاد فرستاده شده اما هنوز حکم اعدامش لغو نشده است و او در زندان حاکمان سرمایه بسر می برد. فرزاد در زندان انتظار میکشد و دوست دارد دوباره به میان شما، خانواده اش و شاگردانش بر گردد، دوست دارد زندگی را ادامه دهد، دوست دارد قدر تلاشهای شما و همشهریان را بداند و از شما قدردانی نماید. مردم نگذاریم فرزاد تنها بماند یک لحظه خودتان را بجای او بگذارید. فرزاد برادر و فرزند شماست باید به هر طریق ممکن حکم اعدام غیر انسانی را لغو نمایند. با اتحاد و همبستگی جلوی این فاجعه را بگیرید و من را هم در کنار خود تان ببیند دست همگی تان را از راه دور میفشارم و منتظر حرکت قدرتمند تان هستم. همگی برای نجات فرزاد و آزادی زندانیان سیاسی و عقب زدن خفقان و سرکوب رژیم اسلامی بکوشیم.

فراخوان به مردم کامیاران

رضا کمانگر، ابراهیم باتمانی (شیروانه) و جمال کمانگر

اعدام شنیع ترین شیوه قتل انسان بشمار می آید. اعدام قتل عمد دولتی است و باید از قوانین جاری حذف شود. این خواسته انسانی سرلوحه مدافعین حق حیات است. تاریخ ما را قضاوت خواهد کرد باید برای لغو حکم اعدام از هیچ تلاشی فروگذار نکرد. جمهوری اسلامی این بار با توسل به دادگاه و قوانینش میخواهد فرزاد کمانگر را از حق زنده ماندن محروم کند. علیه حکم اعدام فرزاد کمانگر به میدان بیایید. فرزاد به شهادت همه شما و فرزندان تان معلمی دلسوز و آگاه بود. فرزاد را میشد و باید از مرگ نجات داد. این کار از شما مردم آزادیخواه کامیاران و حومه بر می آید. تا لغو اعدام فرزاد و تا لغو اعدام از قوانین حاکم باید مبارزه کرد. مردم باید سازمان یافته عمل کنند.

اگر فرزاد فرزند شما، برادر و یا معلم و دوست شما بود چه حالی داشتید؟ آیا دست روی دست می گذاشتید یا کاری میکردید؟ این سئوالات دور از ذهن نیست این واقعیتی است که امروز شما با آن روبرو هستید. یک روز خود را جای مادر، برادر و خانواده فرزاد بگذارید. فرزاد و هیچ انسان دیگری سزاوار مرگ نیستند!

مردم آزادیخواه کامیاران، جوانان مبارز!

امروز وظیفه سنگینی بر دوش شماست. فرزاد مثل همه ما زندگی را دوست دارد و باید زندگی کند. برای لغو اعدام فرزاد کمانگر به میدان بیایید. از هر شیوه ای که برای شما ممکن است. با شعار "حکم اعدام ممنوع باید گردد" "حکم اعدام فرزاد باید لغو گردد"، "آزادی زندانی سیاسی" و "زنده باد زندگی و زنده ماندن"، بزرگترین اتحاد و همبستگی را میان خود بوجود آورید. دفاع از حق حیات انسان، دفاع از زندگی فرزاد و همه کسانی است که سایه شوم مرگ بروی سر آنها می چرخد.

۲۵ ژوئیه ۲۰۰۸

۴ مرداد ۱۳۸۷

اعدام قتل دولتی است، جرم است

مردم مبارز کامیاران، سندج، مریوان و مهاباد اعلام کردند اعدام را تحمل نمی کنند

(کمیته کردستان حزب حکمتیست)

مردم مریوان خواهان لغو اعدام فرزند کمانگر شدند. مردم مبارز مهاباد با تجمع خود خواهان آزادی زندانیان و لغم حکم اعدام فرزند شدند. اینها صدای حق طلب مادر و خانواده و یاران فرزند ، عدنان ، تیمورو فرهاد حاج میزایی، هانا و کمال و ... است که درمیدین شهرهای مریوان، سندج و مهاباد فریاد زنده میشود. نباید اعدام کنید. ما این را تحمل نخواهیم کرد.

فرزند کمانگر نباید اعدام شود و این خواست مردم کردستان است. به همین مناسبت و بعد از اعلام خبر قریب الوقوع اعدام وی، مردم در شهرها و روستا های مختلف در کردستان به حرکت در آمدند تا از ماشین سرکوب و کشتار جنایتکاران جلوگیری کنند.

۲۹ تیر مردم در سندج این را اعلام کردند. با فراخوان سلطنه رضایی مادر فرزند کمانگر و مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران در ساعت ۱۰ صبح ۲۹ تیرماه ۸۷ جمعیتی در حدود هزار نفر در اعتراض به حکم اعدام فرزند کمانگر مردم در مقابل دانشگاه سندج گرد آمدند و خواهان لغو این حکم شدند.

۵ مرداد در شهرهای مریوان و مهاباد مردم این را اعلام کردند.

ساعت ۱۱ صبح ها نفر از مردم مریوان در چهارراه شبرنگ نزدیک سبزه میدان با پخش تراکت که بر آن نوشته شده بود "ما خواهان آزادی فرزند کمانگر، عدنان حسن پور ، هیوا بوتیمار و فرهاد حاج میرزایی" هستیم "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" " اعدام نه" و در دست داشتن عکس و پلاکارهایی با همین مضامین تجمع کردند و خواست خود را فریاد زدند. بیانیه ای هم در رابطه قرائت شد.

در مهاباد در این روز از ساعت ۱۰ صبح بیش از ۲۰۰ نفر از مردم مبارز این شهر در مخالفت با حکم اعدام برای فرزند کمانگر در میدان شهرداری تجمع کردند و از جمله شعارهای "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" "نان ، برق حق مسلم ماست" به اعتراض خود ادامه دادند.

در ساعت ۱۰ و ۴۵ دقیقه پلیس ضد شورش در محل حاضر شده و به تجمع پایان داد و مردم را متفرق کرد.

اعتراض به حکم اعدام فعالین اجتماعی و سیاسی

حکم اعدام فرزند کمانگر لغو باید گردد. فرزند کمانگر و صدها فعال اجتماعی و مدنی هر روز در معرض شکنجه و اعدام به صورت آشکار و پنهان قرار میگیرند .

این سوال قطعا "در ذهن تک تک انسانهای منصف و شرافتمند به وجود می آید که جرم فرزند کمانگر و تمام فعالین اجتماعی در بند چیست ؟ آیا بیان عقاید و خواسته های اجتماعی و سیاسی باید با اعدام و هتک حرمت مواجه شود؟

تعرض به معلمان در این چند سال به بهانه های مختلف و شکنجه و تبعید و زندان و اخیرا " دادن حکم اعدام به آنها گوشه ای از این ناعادالتها و اجحاف ها در حق شریفترین قشر جامعه می باشد .

فضای رعب و وحشت همراه با صدور حکم اعدام فرزند کمانگر ، انور حسین پناهی ، عدنان حسن پور و هیوا بوتیمار به سناریو غیر انسانی و تعرض به تمام معنا به مدنیت در جامعه می باشد آیا با اعدام فرزند کمانگرها نمیتوان چشمان گریان دانش آموزان را تصور کرد .

آیا این ستم بزرگی در حق دانش آموزان فرزند کمانگرها نیست ؟ هنگامی که دانش آموزان جای خالی فرزند را پای تخته سیاه می بینند و بیاد او اشک در چشمانشان حلقه می بندد ؟

در حال حاضر دهها و شاید صدها انسان به جرم بیان عقاید و اندیشه خود در زندان به سر میبرند از فعالین دانشجویی، معلمان و کارگران و نویسندگان مورد هتک حرمت و شکنجه قرار گرفته اند و باید منتظر حکمهای سنگینی نیز در مورد آنها باشیم فعالین اجتماعی معلمان و مردم

شریف مریوان خواستار لغو بدون قید و شرط حکم اعدام فرزند کمانگر ، انور حسین پناهی ، عدنان حسن پورو هیوا بوتیمار و آزادی بدون قید و شرط فرهاد حاج میرزایی می باشیم.

از طرف فعالین اجتماعی شهر مریوان

مرداد ۸۷

بیانیه قرائت شده در تجمع اعتراض به حکم اعدام فرزند کمانگر در مهاباد

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

ما جوانان مهاباد از تحسن دفاع از زندانیان سیاسی حمایت خواهیم کرد و خواهان آزادی تمامی زندانیان سیاسی هستیم . آزادی بیان و اندیشه از پایه ای ترین حقوق شهروندان هر جامعه ای می باشد و خواستار آزادی هرچه سریعتر همه زندانیان سیاسی (اعم از کارگر زندانی، معلم

زندانی، فعالین جنبش زنان و دانشجویان زندانی) هستیم تا به آغوش خانواده ی خویش بازگردند. ما خواستار لغو مجازات اعدام هستیم و از نظر ما هیچ کس را نباید اعدام کرد. ما در اینجا تجمع کرده ایم که خواهان آزادی همه این عزیزان باشیم.

به امید و تلاش برای آزادی زندانیان سیاسی

به امید جامعه ای مملو از عدالت، برابری و آزادی

۵ مرداد ۸۷

به گارد آزادی بپیوندید! واحدهای گارد آزادی را تشکیل دهید!

بعد از ۴ ساعت اعتصاب، کارگران شرکت پرسی سندج به خواستهایشان رسیدند

کارفرمای پرسی به درخواست های مکرر کارگران این شرکت برای دریافت حقوق های معوقه و حق سنوات سالهای گذشته نه تنها پاسخ نداد بلکه هفته گذشته ۲ تن از کارگران حق طلب این شرکت را اخراج کرد.

روز ۸ مرداد کارگران تصمیم به اعتصاب گرفتند. اعتصاب به مدت ۴ ساعت در جریان بود و بعد از این مدت کارفرما با کارگران وارد مذاکره شد و در همان روز کارگران حقوق معوقه ماه های فروردین و اردیبهشت و بن را دریافت کردند. حقوق خرداد را قرار است هفته آینده بگیرند و حقوق تیر ماه را قرار است آخر مرداد پرداخت کنند. همچنین حق سنوات سالهای گذشته را توافق کردند که پرداخت کنند.

کارفرمای پرسی فکر میکرد که با اخراج کارگران معترضی همچون طیب چتانی و فخرالدین زندکری می تواند کارگران را ساکت کند. کارگران در این روز نشان دادند که با اتحاد و تصمیم درست و جسورانه میتوانند حق خود را از حلقوم این زالو صفتان بیرون بکشند.

در این شرایط کار قرارداد موقت و سرکوبی که رژیم فاشیست اسلامی برقرار کرده است، نه تنها کارگران شديدا استثمار میشود بلکه کار میکنند و مزد هم دریافت نمیکنند. باید کاری کرد که هر ماه حقوق را دریافت کرد. ماه ها کارگران بدون دریافت مزد کار میکنند، این دیگر جنایت طبقه سرمایه دار، دولتش و تک تک سرمایه دارن در حق کارگران است.

کارگران پرسی و دیگر مراکز کارگری در سندج، حتی برای دفاع از وضعیت موجود و برای دریافت به موقع حقوق ها، برای جلوگیری از اخراج و هر لحظه اجحافات سرمایه داران و دولتشان، باید تشکل خود را در سطح شهر داشته باشند. تشکل و اتحاد کارگران در این مراکز، ضرورت زندگی و کار کارگران است. سرمایه داران ده ها اداره و تشکیلات برای سرکوب کارگران و فریب آنها و زندانی کردنشان دارند. کارگران باید به طبقه خود و نیروی اتحاد کارگران متکی شوند. مستقیما باید تشکل کارگران را ایجاد کرد. تشکل سراسری کارگران مراکز کار در شهر سندج باید در دستور فوری کارگران قرار بگیرد. این راه را باید رفت و نباید در انتظار ناجی ماند.

کمیته کردستان حزب حکمتیست

۹ مرداد ۱۳۸۷

۳۰ جولای ۲۰۰۸

امنیت کامپیوتر و ارتباطات کامپیوتری

(بخش ۲)

۱- استفاده از برنامه های ایمیل که امنیت بالایی دارند:

تمامی ایمیلها و لیست آدرس ایملهایی را که در outlook express دارید در هارد دیسک شما ثبت می کرد. توصیه می شود که از این برنامه استفاده نکنید. پیشنهاد ما این است که از برنامه تاندربرد که امنتر است استفاده کنید.

۲- استگانوگرافی (استتار):

استگانوگرافی هنر مخفی کردن یک متن در متن دیگری است. یکی از روشهای استتار، قرار دادن یک متن در یک تصویر است. سپس می توانید این عکس را برای گیرنده بفرستید. در اینصورت حتی اگر این تصویر بدست پلیس بیفتد اطلاعات شما لو نخواهد رفت. برای استتار متون خود در تصاویر پیشنهاد می کنیم که از برنامه [4Hit Mail Privacy Lite](#) استفاده کنید زیرا قابلیت استتار متنی را در تصویر فراهم می کند. این برنامه مخفی کردن را با رمز کردن های قوی ترکیب می کند تا ایمنی بیشتری ایجاد کند. می توانید از هر تصویری با هر مضمونی استفاده کنید. مثلا عکسی از طبیعت را انتخاب کرده و با کمک نرم افزار یاد شده متن پیام سری خود را در آن استتار کنید و این عکس را برای گیرنده بفرستید. روش استتار روش بسیار مناسبی برای مبادله امن اطلاعات است و پیشنهاد می کنیم آن را بصورت روتین برای ارسال اطلاعات سری خویش استفاده کنید.

۳- رعایت سایر مسایل امنیتی:

استفاده از [Hushmail](#) یک سرویس ایمیل مبتنی بر وب است (یعنی باید از طریق مرورگر اینترنت به آن دسترسی پیدا کنید) که به شما اجازه می دهد با ایمنی بالایی، ایمیل بفرستید و دریافت کنید. پیام های هاشمیل و پست های آن ها با استفاده از استاندارد OpenPGP رمز کردن می شوند. این باعث سطح بالایی از ایمنی برای کاربران سایت می شود. پیام ها قبل از ترک کامپیوتر شما رمز کردن می شوند و تا وقتی به کامپیوتر مقابل نرسیده اند، جایی که در آن به شکل اتوماتیک رمزگشایی خواهند شد، برای کسی قابل درک نیستند. رمز کردن نامه ها به سادگی یک کلیک کردن است. نکته: ۱ (حداقل هر سه هفته یکبار باید به شناسه هاشمیل خود سر بزنید وگرنه بسته خواهد شد ۲) برای استفاده از ایمنی هاشمیل حتما باید گیرنده شما هم از هاشمیل استفاده کند.

برخی از کاربران این تصور را دارند که فایل های متن با انشعاب txt و یا فایل های گرافیکی (.gif, .jpg, .bmp) ایمن می باشند ولی همواره اینچنین نخواهد بود. انشعاب يك فایل می تواند جعل شود و مهاجمان از تنظیمات پیش فرض ویندوز که



انشعاب فایل های متداول را نمایش نمی دهد، سوء استفاده نمایند. به عنوان نمونه، فایل **greatfile.jpg.exe** که انشعاب واقعی آن مخفی است به صورت **greatfile.jpg** نمایش داده خواهد شد و کاربران فکر می کنند که فایل فوق يك فایل گرافیکی است ولی در واقع يك برنامه مخرب است. کاربران کامپیوتر می بایست صرفاً در مواردی که انتظار دریافت يك ایمیل به همراه ضمیمه مورد نظر را از يك منبع تأیید شده و در آن زمان خاص دارند، اقدام به باز نمودن فایل های ضمیمه نمایند. حتی در صورتی که يك نامه الکترونیکی به همراه فایل ضمیمه ای را دریافت می نمایند که نسبت به هویت ارسال کننده آن هیچگونه تردیدی وجود ندارد، این احتمال وجود خواهد داشت که آدرس فوق توسط مهاجمان جعل و یا توسط کامپیوتری آلوده به ویروس و بدون اطلاع صاحب آن ارسال شده باشد.

ایمیلهایی را که دریافت می کنید یا برای دیگران می فرستید حتماً از ایمیل خود حذف کنید. این به این دلیل است که عدم حذف ایمیلها شما یک بانک اطلاعاتی را در صورت دسترسی دیگران به ایمیل شما فراهم می کند و اطلاعاتی غیر قابل انکار در اختیار بازجوها قرار می دهد. حتماً ایمیلهای خود را از پوشه **Sent** و **Inbox** حذف کنید. اگر به هر دلیلی مایل به نگاهداری ایمیلهای خویش هستید، یک ایمیل آدرس دیگر را برای خود ثبت کنید، ایمیلی که کسی به غیر از شما از آن اطلاع ندارد. ایمیلها خود را از آدرس اصلی به ایمیل دوم و محرمانه خود فرورود کنید و حتماً فراموش نکنید که ایمیلها را در پوشه **Sent** و **Inbox** حذف کنید.

بعد از ورود به ایمیل و استفاده از آن بیاد داشته باشید که حتماً **Sign Out** کنید. ردپای شما در **Cookies** کوکی ها) باقی می ماند و در صورتی که از ایمیل خاج نشوید، شخص دیگری می تواند ایمیلها شما را بخواند.

استفاده از پسوردهای امن: پسوردها تنها در صورتی دسترسی غریبه ها به منابع موجود را محدود می کند که حدس زدن آن به سادگی امکان پذیر نباشد. پسوردهای خود را در اختیار دیگران قرار ندهید و از یک پسورد در بیشتر از یک جا استفاده نکنید. در این صورت اگر یکی از گذرواژه های شما لو برود، همه منابع در اختیار شما در معرض خطر قرار نخواهند گرفت. قانون طلایی برای انتخاب گذرواژه شامل موارد زیر است: گذرواژه باید حداقل شامل ۸ حرف بوده، حتی الامکان کلمه ای بی معنا باشد. در انتخاب این کلمه اگر از حروف کوچک، بزرگ و اعداد استفاده شود ضریب امنیت بالاتر خواهد رفت. سعی کنید به صورت منظم پسورد قبلی را عوض نمایید. هرگز از پسوردهایی که حدس زدن آنها آسان باشند استفاده نکنید مثلاً استفاده از نام یکی از بستگان یا تاریخ تولد.

اگر در متن ایمیل دریافتی لینکی قرار دارد که از شما دعوت شده است که با استفاده از آن به ایمیل خود وارد شوید، از انجام این کار خودداری کنید زیرا این نوع ترفندها برای بدست آوردن یوزر و پسورئ شما می باشد و **fake login** نامیده می شود.

اگر در ایمیل شما لینکی قرار دارد که پس از ورود به آن قادر به خواندن متون صفحه نمی باشید اما لینک دانلود فونت وجود دارد، بلافاصله صفحه را ببندید و از دانلود فونت که به احتمال زیاد تروجان می باشد خودداری کنید.

۴- افزایش امنیت برنامه های چت

برای افزایش امنیت خود در چت پیشنهاد می کنیم مطابق دستورات زیر عمل کنید.
استفاده از نرم افزارهایی که یاهو مسنجر و گوگل تاک را امنتر می کنند
استفاده از چت کلاینتهایی که امنیت بیشتری دارند
رعایت سایر مسایل امنیتی

۵- افزایش امنیت یاهو مسنجر و گوگل تاک

برای افزایش امنیت یاهو مسنجر و گوگل تاک پیشنهاد می کنیم از برنامه های ویژه ای که برای رمز کردن چت وجود دارند، استفاده کنید. هم برای رمز کردن چت کتبی و هم برای رمز کردن مکالمات شفاهی. برای رمز کردن یاهو مسنجر، گوگل تاک می توانید از برنامه **Simp** استفاده کنید. برای استفاده از رمزنگاری باید هر دو طرف مکالمه این نرم افزار را نصب و تنظیم کرده باشند. ادامه بزودی تکمیل میشود.

برای نجات جان فرهاد حاج میرزایی متحد شویم
<http://sosfarhad.blogfa.com>

کمپین برای آزادی فرزاد کمانگر
<http://hra-iran.org/campin/farzad.html>

تلاش برای آزادی رونك صفار زاده و هانا عبدی
<http://soswoman.blogfa.com>

کمپین دفاع از کمال شریقی
www.4rojhelat.org/index.php?id=3047

ادامه کاری تلویزیون پرتو نیازمند کمک مالی شما است.
سیمای حقیقت، سیمای آزادی و برابری، سیمای کارگر و سیمای سوسیالیسم

تلویزیون پرتو

حقایق ایران و جهان و راه نجات از نکت جمهوری اسلامی را از تلویزیون پرتو بشنوید.

به سیمای آزادی و برابری کمک مالی کنید.
شماره حساب: ۶۰۲۸۱۷۱۹
نام بانک: Barclays
دارنده حساب: A. J.
کد پانکی: ۲۰ ۵۸۵۱

دیور کمیته کردستان
اسد گلچینی
agolchini@yahoo.com

مسئول روابط عمومی کمیته کردستان
اسماعیل ویسی
esmail.waisi@gmail.com

www.hekmatist.com
<http://partowtv.com>
www.oktoberr.org

اساس سوسیالیسم انسان است، سوسیالیسم جنبش باز گرداندن اختیار به انسان است